

## حزب برادران: پیشینه و مؤلفه‌های اندیشگی

### سیاسی و عقیدتی آن

دکتر هاشم آقاچری\*

محمد مهدی مرادی خلیج\*\*

#### چکیده

حزب برادران از مجموعه احزابی بود که پس از شهریور ۱۳۲۰ پا به عرصه حیات سیاسی ایران نهاد. این حزب با مرامنامه ۱۲ ماده‌ای که در عبارت «حفظ استقلال ایران در ظل لوای مذهب جعفری» خلاصه می‌شد با هویت دینی-سیاسی آغاز به فعالیت نمود. برطبق اساسنامه ۱۴ ماده‌ای موجود، حزب دارای یک هیئت مرکزی ۱۲ نفره و ده شعبه بود اما عملاً ساختار تشکیلاتی آن بر هیئت‌های مذهبی استوار بود. در رأس این حزب فردی روحانی و دارای مقام اجتهاد و با ادعای مرجعیت قرار داشت. سازوکار حزب علیرغم پیش‌بینی شعبه‌هایی در آن عملاً بر محور شخص رهبری حزب و افکار او قرار داشت و کمتر نمود فعالیت حزبی نظام یافته متعارف در آن مشهود بود. اعضاء مرکزی حزب نیز به نظر نمی‌رسد که از انضباطی تشکیلاتی پیروی داشته باشند. این حزب از زمان تشکیل تا

مرگ رهبری حزب در بهمن ۱۳۳۵ ش نه تنها در سطح شهر و منطقه، بلکه در کشور نیز منشأ اقدام‌ها و تأثیراتی بود و رضا حکمت (سردار فاخر) یکی از اعضاء مسرکزی آن برای پنج دوره متوالی ریاست مجلس شورای ملی (۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰) را بر عهده داشت.

این حزب در زمینه عقیدتی بر اجرای قواعد شرعی تأکید داشت و حکومت را ابزاری برای اجرای این قوانین می‌دانست و رسالت خویش را در مبارزه با منکرات از یکسو و عقاید الحادی و غیر مذهبی از دیگر سو می‌دید. از نظر سیاسی نیز حزب در صدد کسب مناصب و مراکز قدرت بود و چندان در این راه به تنزه سیاسی و وفاداری به اصول اعلامی در مرامنامه و اساسنامه پایبندی نشان نداد.

توانایی‌های شخصی رهبری حزب و تعلق او به خانواده‌ای روحانی، در آغاز موجب اقبال عده فراوانی به سوی حزب شد. اما گرایش قدرتمندارانه رهبری حزب و شور فاصله‌ای که نسبت به جوانان، اقشار فرهنگی و حتی همگان روحانی خود نشان داد به تدریج حزب را از اعضای فهیم و خوشنام تهی کرد. بهره داشتن رهبری حزب از اندیشه‌های نو و توفیقات او در زمینه‌های اجتماعی در دوره نخستین حیات حزب وجهه‌ای اصلاح طلبانه از آن نمودار ساخت، اما مواضع حزب و رهبری آن در جریان ملی شدن نفت و دوران نخست وزیری محمد مصدق، که سمت و سوی نزدیکی به دربار و سلطنت را به ذهن متبادر می‌کرد، چهره حزب و رهبری آن را مشکوک ساخت و خوشنامی را از آن ستاند.

**واژه‌های کلیدی:** حزب برادران، سیدنورالدین حسینی، فارس، شیراز.

## مقدمه

آن چه در پی می آید مستند به مطالعه بیش از ۱۰۳۸ برگ سند و نیز کتب نگاشته شده رهبری حزب برادران و نشریات ارگانی و یا هوادار و رقبای حزبی معاصر حزب برادران و بهره گیری از اطلاعات معمرین و مطلعین از حوادث دوران فعالیت حزب مذکور است.

حساسیت سیاسی فراوان این دوران و حب و بغض های برآمده از آن و ضعف فرهنگ مکتوب در کشور که خود علل سیاسی و فرهنگی عدیده ای دارد، مجاللی برای حفظ آثار انبوه این دوره باقی نگذاشته است. لذا بسیاری از نشریات این زمان که فقط در شیراز رقم حیرت انگیز اما واقعی آن بیش از ۱۰۰ نوع نشریه را در بر می گرفت دستخوش نابودی کرده است و تأسف بار این که آفت مذکور بیشتر دامان نشریات و اسنادی را گرفته است که معرف فعال ترین و یا حادثه انگیزترین جریانات و لایه های اجتماعی و سیاسی بوده اند. به طوری که مثلاً از نشریه ارگان حزب برادران - آئین برادری - و رقیب آن - صدای شیراز - در هیچکدام از مراکز آرشیوی محل رجوع چون کتابخانه های ملی، شهید دستغیب و شاهچراغ شیراز، ملی ایران، دانشگاه تهران، مجلس شورای اسلامی، اثری یافت نشد. ملاحظه و مطالعه آن بخش از کتب و نشریات نیز که حسب نمایه های موجود، امید دسترسی بدان می رفت به آسانی میسر نگردید و یا دستخوش دستبرد و امحاء شده بودند.

گذر ایام و احساس بیهودگی حفظ این آثار از سوی دارندگان آرشیوهای خصوصی و دلایل شخصی دیگری چون کمبود جا و یا احساس خطر از حفظ مدارک و نوشته ها و اسناد، و نیز هجوم عوامل امنیتی به منازل افراد فعال، به تدریج بسیاری از این مدارک را از دسترس محققان خارج ساخته است. نگارنده مواردی بسیار را ملاحظه نمود که خود افراد و یا بستگان آنها از فرط عصبانیت ناشی از تعقیب های سیاسی و یا مشکلات زندگی، مبادرت به امحاء آثار این دوره کرده اند. مرکز گرایسی فرهنگی، همچون سایر امور، آفت دیگری بوده است که توجه به امور مربوط به شهرستانها را مورد غفلت قرار داده است. احساس اینکه پرداختن به مسایل کلان کشور موجب بی نیازی از عنایت به مسایل منطقه ای خواهد بود نیز از نظر روانی بی دخالت در عدم حفظ آثار موضوع مورد مطالعه نبوده است.

بنابراین نگارنده برای رفوگری اطلاعات موجود مکتوب، ناگزیر از مراجعه به معمرین و مطلعین از حوادث بوده است که شرح مشقات و بی‌مهری‌های در این راه در کنار همدلی اندکی از افراد که مرا مدیون محبت خود ساخته‌اند ملال‌افزا خواهد بود. حب و بغض‌های بجا مانده از گذشته در همراهی و یا عدم همراهی با روندی فرهنگی اجتماعی و سیاسی و نیز لزوم اعتمادسازی در اخذ داشته‌های دارندگان اسناد و مدارک نیز از مضایق دیگر کار بوده‌اند.

نگارنده با سیاست «اشتیاق و حوصله» که پشتوانه اصلی تحقیقاتی از این دست باید باشد سعی وافر در این راه نمود و گرنه در میانه راه متوقف می‌شد و از این بابت خرسند است که توانسته است بخشی از مدارک و اسناد موجود در معرض نابودی را نجات بخشد. از انزوا گیرندگان خود خواسته و یا معترضان مطلع که از آغاز راه تحقیق از خویش را بر نگارنده بستند بگذریم، تن زدن مصاحبه شوندگان از بیان همه واقعیت و یا بازگونه گویی آنها، خود تعریفی، مذمت دیگران، حساسیت به احتمال اطلاع‌گیری از دیگران، احساس ناخوشی از بیان گذشته فکری و سیاسی و یا تعیین شرایط بعضاً ناممکن برای ارائه اطلاعات، موانع عمده دیگری بودند که بر جانکاهی تحقیق افزوده است. در بخش نشریات نیز خودداری از انعکاس اقدامات حزبی در نشریه و پنهانکاری تعمدی در این زمینه موجبی بود که نگارنده در جستجوی فهم واقعیت به تحقیقات خود وسعت بیشتری بخشید و صحنه‌هایی تلخ و دردناک از آنچه بر میراث فرهنگی کشور رفته و می‌رود را شاهد باشد و به این دقیقه اشراف یابد که وجه توصیه عالمان تاریخ بر «نگارش تاریخ مدت‌ها بعد از حادثه»، قسمتی برای رستن از این مضایق است، اما افسوس که انتظار برای رفع مضایق، اسناد و مدارک فراوانی را مشمول حذف و هدم می‌کند که درباره آن باید اندیشید و به حافظه تاریخی ملت و اعتلاء فرهنگی و علاج سترونی تجارب تاریخی کشور چاره‌ای کرد.

## حزب برادران: پیشینه و مؤلفه‌های اندیشه سیاسی و عقیدتی آن

### الف - پیشینه حزب برادران

حزب برادران از جمله احزابی بود که در دوره سوم فعالیت احزاب در ایران (ضرغام بروجنی، دولت‌های عصر مشروطیت، ۱۶۱؛ ملکزاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ۱۳۶۳، کتاب دوم: ۲۲۷-)

۲۳۲؛ اتحادیه، پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت ۱۳۶۱: ۶۱، ۶۰؛ راین، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، ۱۳۵۷، ج ۲: ۱۷۳-۱۸۰؛ بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران. ۱۳۷۰، ج ۱: ۱۲) یعنی پس از شهریور ۱۳۲۰ پا به عرصه حیات سیاسی و فعالیت گذاشت. احزاب این دوره که فاصله میانه سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ را در بر می گرفت، به علل متعدد از تنوع و کثرت بسیاری برخوردار بودند به طوری که بیش از نود حزب و تشکل سیاسی در این دوره در گستره محلی، منطقه‌ای و ملی فعالیت داشتند. (طیرانی، اسناد احزاب سیاسی ایران، ۱۳۷۶؛ اسنادی از احزاب سیاسی ایران، ۱۳۷۹)

حضور بیگانگان در کشور بواسطه جنگ جهانی دوم، رها شدن مردم از استبداد بیست ساله و علاقه آنها به نقش آفرینی در سرنوشت خود، تلاش نیروهای آسیب دیده از دوره حکومت رضاشاه برای کسب موقعیت و نیز کوشش دارندگان موقعیت اجتماعی در ایام حکومت پهلوی اول در حفظ جایگاه اجتماعی خود از جمله علل تنوع احزاب بود.

حزب برادران، در زمره احزاب منطقه‌ای بود که در شهر شیراز شکل گرفت و در صدد توسعه در سایر مناطق استان و کشور برآمد. رهبر این حزب فردی روحانی به نام سید نورالدین الحسینی الهاشمی بود. پدرش سید ابوطالب مجتهد بود که رساله‌ای بنام اسرار العقاید در رد بهایی‌گری و بابی‌گری نگاشته بود.

سید نورالدین در سال ۱۳۱۲ق/ ۱۲۷۳ ش در شیراز متولد شد و پس از مدتی تحصیل در این شهر، راهی عتبات گردید. او از محضر علمای ایرانی مقیم نجف چون میرزا محمد حسین نائینی، سید محمد کاظم یزدی، میرزا محمد تقی شیرازی و ضیاءالدین عراقی کسب فیض کرد و از آنها اجازه اجتهاد دریافت داشت. سید نورالدین در سال ۱۳۴۴ / ۱۳۰۴ ش به شیراز بازگشت و به رتق و فتق امور مذهبی مردم شیراز اشتغال ورزید. (سالنامه برادران، ۱۳۲۹: ۴؛ الحسینی الهاشمی، اسلام و جهان امروز: ۱۰؛ همو، اصول الفقه، مقدمه)

سید نورالدین از خود، کتاب‌ها و رساله‌هایی به جای گذاشت (بهریزی، شیراز خال رخ هفت کشور، ۱۳۳۴: ۴۷؛ امداد، شیراز در گذشته و حال، ۱۳۳۹: ۴۰۴) که از آن جمله دو رساله عملیه فقهی به نام‌های «انیس المقلدین» و «منتخب الرسایل» بود. از رساله نخست که به صورت سؤال و

جواب در مسایل شرعی است نسخه چاپ آبان ۱۳۲۷ در دست است. رساله مذکور شامل مباحثی چون تقلید، طهارت، نماز، روزه، خمس، زکوه، بیع، خیارات، رهن، صلح، ضمانت، کفالت، وصیت، ارث، مسایل متفرقه و ملحقات در مسایل زنانگی است که در ۹۶ صفحه و به زبان فارسی در چاپخانه نور شیراز چاپ شده است. شایان ذکر است که رساله‌ای به همین نام از سیدابوالحسن اصفهانی در سال ۱۳۲۴ش توسط انتشارات جمعیت دین و دانش شیراز و زیر نظر سید عبدالحسین دستغیب (شهید دستغیب) منتشر گردید. رساله منتخب الرسائل نیز که از نظر مؤلف مهم‌تر بود چند نوبت چاپ گردید و در سال ۱۳۳۰ چهارمین چاپ آن وارد بازار شد (نشریه آئین برادری، ش ۳۶۴) انتشار رساله‌های مذکور و نیز پاسخ مکتوب سید نورالدین به استفساریه‌های مذهبی و از جمله فتوای او راجع به رادیو (آئین برادری، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۹) را می‌بایست اقدامی از سوی او در تثبیت موقعیت مذهبی و مرجعیتش به حساب آورد. همین شأن از رهبری حزب است که مطالعه آن را قابل توجه می‌کند. زیرا تا این زمان و حتی پس از آن تا حادثه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، روحانیان با عنوان مرجعیت نه تنها از ایجاد حزب و حتی حضور در آن پروا داشتند بلکه دخالت در سیاست را نیز قابل جمع با برخورداری از مقام صدور فتوا نمی‌دانستند. به علاوه این حزب بر خلاف معمول تشکیل احزاب در کشور، که در تهران تشکیل می‌شدند و سپس شعباتی از آن در شهرستان‌ها دایر می‌گردید، با مرکزیت شهرستان شکل گرفت و در صدد توسعه در سایر شهرستان‌ها و از جمله تهران برآمد.

تشکیلات حزب برادران اگر چه برابر ماده پنجم اساسنامه مبتنی بر یک هسته مرکزی و ده شعبه بود ولی عملاً ساختار نمود یافته آن در قالب هیأت‌های مذهبی بود. بر این اساس است که اعضاء سابق در قید حیات حزب تمایل دارند که پیشینه حزب را به تاریخ نخستین هیئت‌های مذهبی بوجود آمده که پس از تأسیس حزب برادران به آن پیوسته‌اند ارجاع دهند.

تأسیس نخستین هیأت‌های مذهبی پیوسته به حزب برادران، به سال ۱۳۰۸ ش بر می‌گردد. این هیئت‌ها شامل سه هیئت فدائیان ابوالفضل، محمدی و جعفر بن محمد بود که پس از تأسیس حزب به ترتیب به عنوان حوزه‌های ۱، ۲ و ۵ حزب در آمدند. (سالنامه برادران: ۸۴، ۹۴، ۱۵۴؛ آئین برادری، ش: ۴۸، ۴۹، ۱۱۶؛ مصاحبه با سید معزالدین الحسینی الهاشمی) در هشتم خرداد ۱۳۱۱ برابر

عاشورای ۱۳۵۰ سه هیئت مذکور اولین حرکت آشکار خود را به توصیه سید نورالدین انجام دادند و با تهیه پرچم و علائم سوگواری در میان مردم حاضر شدند. (سالنامه برادران: ۵؛ آئین برادری، ش: ۱۰۱، ۱۴۵، ۲۳۳، ۲۴۱ و ۳۳۶)

به نظر می‌رسد اقوالی که ادعای تاسیس حزب در سال‌های قبل از شهریور ۱۳۲۰ را دارد باید به منزله اشاره به دوران تکوین حزب و تلاش‌هایی در جهت ایجاد یک تشکل و نه لزوماً آغاز تأسیس حزب به حساب آورد.

از دید نگارنده نوعی نامجویی آمیخته با احساس و وظیفه فردی در حفظ شعائر مذهبی و اجرای حدود، به تدریج رهبری حزب برادران را از اقدام فردی در کنشهای اجتماعی، به فعالیت‌های عمومی به نام جمع کشاند. تعلق او به خانواده‌ای روحانی و برخوردار از خود وی از درجه اجتهاد، ورود وی را در این وادی تسهیل کرد و پس از گشایش فضای سیاسی در اثر سقوط رضا شاه، تأسیس حزب در یک روند دیپلماتیک و آرام صورت عمل به خود گرفت.

نخستین کنش اجتماعی سید نورالدین، قریب دو ماه پس از فوت پدرش سید ابوطالب مجتهد در ۲۷ دی ۱۳۰۵ (سالنامه برادران: ۴) با اجرای حد بر کارمند ایرانی کنسولگری انگلیس در شیراز که مشروب خورده بود آغاز شد. سید نورالدین دستور داده بود که فرد مذکور را به طویله ببرند و بر او حد جاری کنند. او در این عمل به پشتوانه اجتهاد خود و به تصور اینکه در اجرای حدود مبسوط‌الید و وظیفه‌مند است اقدام نمود. حکومت ایالتی کار سید نورالدین را به عنوان دخالت در سیاست تلقی کرد و کتباً از او خواست تا از اقداماتی نظیر آن خودداری کند. اما چون فعالیت او ادامه یافت در شب شنبه (جمعه شب) سیزده شوال ۱۳۴۵ / ۲۶ فروردین ۱۳۰۶ فروغ الملک مأمور نظمیة او را تکلیف به رفتن نظمیة کرد و سپس به بوشهر تبعید گردید.

در اعتراض به عمل حکومت، بازار تعطیل شد و مردم در شاهچراغ اجتماع کردند و در نتیجه زدوخورد نیروهای نظامی با مردم چهار نفر کشته و هفت نفر زخمی شدند. این شورش تا وعده دولت ایالتی به بازگرداندن سید نورالدین ادامه یافت و با بازگشت سید نورالدین در صبح جمعه ۲۷ شوال / هشتم اردیبهشت، پس از چهارده روز، خاتمه یافت. (شیخ آقا، اعجاب القاصص)

حمایت مردم از سید نورالدین، او را در باور خویش به اقداماتی از این دست راسخ‌تر کرد، لذا او در سال ۱۳۰۸ ش به قانون لباس متحدالشکل اعتراض نمود. (مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ۱۳۶۲، ج ۵: ۷۰-۷۲) در پس این اعتراض او به تهران فرا خوانده شد و مدت دو ماه در تهران بود. (سالنامه برادران؛ ۴؛ مصاحبه با ابراهیم یقظین و مصطفی حسینیان) سرمایه سیاسی ای که بر اثر این اعتراضات نصیب سید نورالدین شد، پشتوانه‌ای بود که او بتواند بنای یک تشکل سیاسی را پی بریزد. به نظر می‌رسد آنچه که درباره جلسات مخفی اعضاء حزب برادران گفته شده است باید مربوط به سال آخر حکومت رضاشاه باشد (مصاحبه با حسنعلی شناسا) روند اقدام برای تأسیس حزب حسب اسناد و اطلاعات موجود به تانی صورت گرفت. سید نورالدین ابتدا در صدد انسجام‌بخشی روحانیان شیراز برآمد. در اسناد نیروی انتظامی و برخی نشریات از تشکیل «اتحادیه روحانی» در سال ۱۳۲۱ یاد شده است (سند شماره ۶۹۵۴ مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ مهر ایزد، ش ۶۲) او همچنین هیأت‌های مذهبی محلات را با نام «اتحادیه برادران» هویتی سیاسی بخشید. (مهر ایزد، ش ۷۴) پس از آن با پیوند دادن دو مجموعه مذکور، موجودیت «جمعیت برادران نور» را اعلام کرد. (همو، ش ۸۱) واژه «نور» نیز در انتهای این نام علاوه بر اینکه ملطوف ساختن جمعیت به امری مقدس بود، شاهدی بر نقش سید نورالدین در ایجاد و استمرار این جمعیت به شمار می‌آمد.

اگر چه برابر نوشته نشریه آئین برادری - ارگان حزب - در شماره ۱۰۱ (۵ مرداد ۱۳۲۹)، عنوان «نور» می‌بایست در سال ۱۳۲۲، از نام جمعیت حذف شده باشد و در فرم چاپی کارت عضویت اعضاء نیز این واژه به چشم نمی‌خورد، اما مهر هیأت مرکزی که در ذیل کارت‌ها زده می‌شد همچنان پسوند «نور» را تا سال ۱۳۲۶ می‌نمایاند. این امر حکایت از استمرار هژمونی شخص رهبری بر اعضاء جمعیت علیرغم تصریح بر حذف واژه نور از عنوان رسمی جمعیت دارد.

به نظر می‌رسد بین تأسیس «اتحادیه روحانی» و «اتحادیه برادران» تا پیوستن آنها به یکدیگر ذیل نام واحد «جمعیت برادران نور» مدت زیادی طول نکشیده باشد و به احتمال قوی این اقدام در همان سال ۱۳۲۱ صورت انجام یافته باشد. حزب پس از آن کوشید تا به سرمایه سیاسی خود، ذخیره‌هایی اجتماعی نیز بیفزاید. سید نورالدین در حادثه حصبه و آنفولانزای ۱۳۲۳ به یاری

بیماران شتافت و با کمک خیرین و پزشکان مبادرت به تأسیس «موسسه خیریه حمایت بیماران فقیر» نمود که موجب نجات جان هزاران نفر گردید. (سالنامه برادران، ۱۳۲۴؛ آئین برادری، ش ۱۵۸) او همچنین در قحطی و کمبود سوخت سال ۱۳۲۴ بار دیگر به همدلی با مردم پرداخت و با تأسیس، «موسسه خیریه سوخت» یا شرکت سوخت (شرکت زغال) شخصاً به جنگل‌های دشت ارزن رفت و با تشویق مردم آن سامان برای رساندن سوخت به شهر، در رفع مشکل مردم کوشید.

((سالنامه برادران: ۴، ۱۲۳؛ مصاحبه با مصطفی حسینیان، ابراهیم یقطین و محمدجواد سبحانی)

از اقدامات دیگر او، تلاش برای افزایش سطح دانش جامعه از طریق تشکیل کلاس‌های درس بزرگسالان (اکابر) در مسجد و کیل بود. این کار در ادامه با هماهنگی‌های لازم با رئیس فرهنگ وقت (تاریخچه ده‌ساله کانون فرهنگیان فارس، ۱۳۲۳-۱۳۳۳: ۷۵؛ بهروزی: ۹۸) منجر به تأسیس آموزشگاه‌های شبانه در نقاط مختلف شهر گردید. (سالنامه برادران: ۵، ۱۷)

به گواهی نشریه ارگان حزب برادران و اسناد رسمی موجود، مرامنامه حزب در ۱۲ ماده به سال ۱۳۲۳ تدوین شد. (آئین برادری، ش ۱۰۳؛ سند ۶۹۵۴ مرکز اسناد انقلاب اسلامی) برای تنظیم اساسنامه که پس از مرامنامه انجام گردید و در ۱۴ ماده فراهم آمد تاریخ دقیقی بدست نمی‌توان داد، اما از آنجا که کارت عضویت اعضاء از سال ۱۳۲۶، عنوان حزب برادران را داشت و در مواد اساسنامه، این تشکل با عنوان «جمعیت» یاد شده بود به نظر می‌رسد که این مهم قبل از سال ۱۳۲۶، انجام شده باشد.

سید نورالدین در جریان تلاش برای تعویق انداختن انتخابات دوره ۱۵ مجلس شورای ملی با سایر روحانیان کشور و مردم همگام شد (مهر ایزد، ش ۱۳۸ و فوق العاده آن) و پس از شروع انتخابات دوره مذکور، حزب برادران فعالانه وارد عرصه کارزار انتخاباتی گردید و توانست سه نفر از ۵ نفر نمایندگان شیراز را از طریق حزب به مجلس بفرستد. (اسامی نمایندگان ۲۴ دوره تقنینیه و ۷ دوره مجلس سنا: ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۱)

حزب پس از موفقیت در انتخابات مجلس دوره ۱۵، به تلاش خود وسعت بیشتر بخشید. ظاهراً در گرماگرم انتخابات مجلس ۱۵ بود که نام تشکیلات نیز از «جمعیت برادران» به «حزب برادران»

تغییر یافت.<sup>۱</sup> پایان جنگ جهانی دوم و ختم غائله آذربایجان و جنوب مجال بیشتری برای کارهای ماندگارتر فراهم کرد. لذا حزب در کنار کارهای تبلیغاتی و عوام پسند به اقدامات فرهنگی روی آورد و بارویکردی جوانگرایانه، شعبه سه فرهنگی حزب شکل گرفت. نخستین جلسه این شعبه در شب بیست و پنجم شهریور ۱۳۲۶ به ریاست سید علی اکبر معزی<sup>۲</sup> که محرر دروس سید نورالدین بود تشکیل شد. (سالنامه برادران: ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۸) شخص رهبری حزب نیز در ادامه تدریس دروس حوزوی فقه و اصول برای روحانیان که صبح‌ها انجام می‌شد، شب‌ها پس از نماز مغرب و عشاء سخنرانی‌هایی در زمینه امور عقیدتی، سیاسی و اخلاقی به ترتیب در شب‌های دوشنبه - پنجشنبه، یکشنبه - چهارشنبه و شنبه - سه شنبه در مسجد و کیل ایراد می‌کرد و صورت تنقیح یافته آن در نشریه حزب منتشر می‌گردید. (همو: ۴؛ آئین برادری، ش ۱؛ الحسینی الهاشمی، اصول الفقه؛ مصاحبه با محمود نعمت‌الهی)

حزب برادران در انتخابات دوره ۱۶ مجلس شورای ملی نیز توانست سردار فاخر و شیخ مهدی صدرزاده را برای بار دیگر روانه مجلس کند. (اسامی نمایندگان مجلس ...: ۲۱۰) نشریه ارگانی حزب نیز با نام «آئین برادری» در همین ایام یعنی از پنجشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۲۸ به صاحب امتیازی و

۱. مقایسه شود با: نامه شماره ۷۰۷۷ مورخه ۳۰/۴/۱۶ عباسقلی گلشانیان استاندار فارس به وزارت کشور؛ نامه فهرست احزاب و جمعیت‌های موجود شیراز در خرداد ۱۳۳۲ از سوی لشکر منطقه ۶ فارس، مضبوط در مرکز اسناد ملی ایران؛ حسن امداد در مجله آینده سال ۱۱ در شماره ۱۱ و ۱۲ (بهمن و اسفند ۱۳۶۴) در صفحه ۸۱۷ ذیل عنوان «توللی و حوادث فارس»، زمان تأسیس حزب برادران را ۱۳ بهمن ۱۳۲۳ عنوان و از نام «اتحاد حسینی» قتل از «حزب برادران نوره» و «حزب نوره» یاد کرده است اما مستند نامگذاری اتحاد حسینی و نیز تاریخ شروع رسمی فعالیت حزب را بدست نمی‌دهد. نگارنده ضمن تماس تلفنی با نامبرده از مستندات ایشان استفسار کرد اما متأسفانه سند و مبعی ارائه ندادند.

۲. سیدعلی اکبر معزی فرزند سیدمهدی در سوم شعبان ۱۳۴۵/ بهمن ۱۳۰۵ ش متولد شد. وی تحصیلاتش را تا کلاس نهم در اصطهبانات ادامه داد سپس به شیراز آمد و حدود ۵ سال در مدرسه دینی آقا بابا خان به تحصیلات حوزوی مشغول شد و سپس به لاس روحانیت گردید. اما مدتی بعد به قصد ادامه تحصیل وارد دانشسرای مقدماتی گردید. پس از اتمام دانشسرا به تدریس در آموزش و پرورش پرداخت. با آغاز نه کار دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز وی از جمله دانشجویان رشته ادبیات فارسی شد و با اتمام دوره کارشناسی ادبیات بسه سمت دبیری ارتقاء یافت. وی اکسون بازنشسته می‌باشد و در تدریس دروس اسلامی با دانشگاه آزاد اسلامی واحد استهبان همکاری دارد (مصاحبه با سیدعلی اکبر معزی؛ سالنامه برادران: ۱۶۸).

مدیر مسئولی محمدباقر خدام محمدی آغاز به کار کرد. پیش از انتشار ارگان حزب، نشریه «مهر ایزد» به صاحب امتیازی و مدیر مسئولی و سردبیری سیدمحمدرضا الحسینی الهاشمی که برادرزاده سیدنورالدین بود، مطالب مربوط به «جمعیت برادران» را منتشر می کرد. این نشریه از پنجشنبه اول فروردین ۱۳۲۵ شروع به انتشار نمود. دوره دوم نشر آن در ۱۳۲۷ بود و در سومین دوره انتشار همزمان با نشریه آئین برادری منتشر می گشت. مهر ایزد علیرغم نگارش شعار «انما المومنون اخوه»ی جمعیت برادران بر تارک صفحه نخستین خود از اینکه ارگان جمعیت بشود تن زد و در شماره ۱۷۵ (پنجشنبه ۱۵ اسفند ۱۳۲۵) به صراحت از درخواست های مکرر برای تبدیل نشریه به ارگان جمعیت برادران یاد کرد و اظهار نمود که نظر خواهی از مردم و دیدگاه همکاران نشریه موافق چنین اقدامی نیست. با انتشار نشریه آئین برادری، همزمان نشریات دیگری با سوگیری مشابه به نشر آراء و افکار حزب برادران پرداختند که از آن جمله نشریات هفتگی «نهضت نور» به مدیریت حیدرعلی مس فروش، «شیپور ادب» به مدیریت ابراهیم شاکری و «مهد سعدی» به مدیریت حسین مختاری (محمد مدرس صادقی، شیراز امروز: ۱۴۸) را می توان نام برد.

در جریان مذاکرات مربوط به ملی شدن نفت، نشریه حزب مطالب مربوط به آن از جمله استیضاح دکتر مصدق از وزیر دارایی را در این باره منعکس کرد. همچنین مذاکرات مربوط به قرار داد الحاقی گس-گلشائیان را که در مجلس ۱۵ مطرح شده بود به رشته تحریر در آورد. (آئین برادری، ش ۱۷۰-۳۱۹) به رغم سخنرانی سید نورالدین در دی ماه ۱۳۲۹ علیه قرارداد الحاقی و انتشار بیانیه شعبه ۳ فرهنگی حزب در این باره (همو، ش ۲۳۶) و نیز سخنرانی رهبر حزب در حمایت از خلع ید از شرکت نفت انگلیس و انتشار قطعنامه شعبه ۳ فرهنگی در دهم خرداد ۱۳۳۰ (همو) هیچگاه این اقدامات از سوی طرفداران نهضت ملی به منزله همدلی و همراهی تلقی نشد. بی اعتمادی طرفداران نهضت ملی در شیراز به سید نورالدین چندان هم بی پایه نبود. همبستگی شدید سید نورالدین به سردار فاخر حکمت رئیس مجلس شورای ملی و عضو ارشد حزب برادران که از یک سو مشهور به قمار بازی بود و از دیگر سو منتسب به انگلیسی ها، رهبری حزب را در معرض آسیب پذیری جدی قرار داد. از دیگر سو تن زدن او از همنوایی با چهره های شاخص نهضت ملی چون سید ابوالقاسم کاشانی و محمد مصدق باب اتهامات زیادی را علیه او

گشود. سیدعلی اکبر معزی در این باره اظهار داشت وقتی سید ابوالقاسم کاشانی از تبعید به تهران آمد از سید نورالدین تقاضا شد که اعلامیه‌ای در تجلیل و استقبال از کاشانی صادر کند اما او از قبول این تقاضا خودداری کرد. همچنین وی بیان داشت که در جریان ملی شدن نفت از سیدنورالدین خواسته شد تا در حمایت از ملی شدن بیانیه‌ای صادر کند و او بار دیگر خواهندگان را ناکام گذاشت.

نخستین موضع غیر قابل انکار سید نورالدین علیه دولت نهضت ملی در ۲۳ شهریور ۱۳۳۰ بروز کرد. در این روز آیت الله کاشانی از مردم سراسر کشور خواسته بود که به حمایت از دکتر مصدق که مورد حمله اقلیت مجلس شانزدهم قرار گرفته بود به تظاهرات بپردازند. رهبر حزب برادران در این روز از همراهی با سایر مردم خودداری کرد. او دو روز قبل از این ضمن یک سخنرانی در مسجد وکیل اعضاء حزب و سایر مردم را از این کار پرهیز داده بود. (آئین برادری، ش ۳۷۱؛ صدای شیراز، ش ۲۱).

سستی استدلال‌های سید نورالدین در علل عدم همراهی او و حزبش با مردم در حمایت از مصدق در روز شنبه ۲۳ شهریور، عاملی بود که علی‌رغم فراخوانی مردم از سوی او در روز بعد (یکشنبه ۲۴ شهریور) به تجمع در تلگراف‌خانه شیراز و حمایت از دکتر مصدق، فضای بدینی به او نه تنها ترمیم نشد بلکه اقدام او را بازتاب انفعال او قلمداد کردند. مخالفت علنی و کتبی او قبل از این با شیخ عباسعلی اسلامی نماینده آیت الله کاشانی که در ۱۸ شهریور به شیراز آمد (آئین برادری، ش ۳۷۱) و سخنرانی‌های وی علیه حسین راضی نماینده حزب ایران در شیراز پس از افتتاح این حزب در هفته اول شهریور نیز تحلیل فوق را قوت بخشید.

نکته قابل توجه آن است که علیرغم اقدام حزب برادران و رهبری آن علیه طرفداران نهضت ملی و از جمله حزب ایران، هیچ انعکاسی از این اقدامات در نشریه ارگان حزب نیست. به نظر می‌رسد نوعی تقسیم کار آگاهانه میان رهبری حزب و هواداران، در چگونگی مقابله با مخالفان به عمل آمده بود تا در عین حفظ وزانت رهبری از نظر اجتماعی و قضاوت حقوقی و تاریخی، سامان‌گیری پاسخگویی به مخالفان نیز بدون متولی نماند. توجه به مندرجات نشریات اقماری حزب برادران چون «همه» به مدیریت حسین ولدان منتشره از ۲۹ فروردین ۱۳۳۰ تا ۱۷ اسفند ۱۳۳۲

(در چهل و سه شماره)، «مرد بازار» به مدیریت اصغر عرب (خرد) منتشره از ۲۵ آذر ۱۳۳۰ تا ۱۵ خرداد ۱۳۳۱ (در یک طلیعه، دو فوق‌العاده و سه شماره)، «شفق شیراز» به مدیریت علی‌اکبر شیعی از اول اردیبهشت ۱۳۳۱ تا ۲۲ اسفند ۱۳۳۲ (در ۳۱ شماره) و «برادری» به مدیریت مصور رحمانی از شهریور ۱۳۳۰ به روشنی مؤید این دیدگاه است.

با همین تلقی بود که اقدامات سید نورالدین چون برگزاری مجلس دعا در موقع عزیمت مصدق به شورای امنیت (آئین برادری، ش ۳۷۵، ۳۷۶) فتوا به خرید اوراق قرضه منتشره از سوی دولت و آن را به منزله جهاد محسوب داشتن (همو، ش ۳۸۶، ۳۸۸)، اعلام جشن در موقع انحلال کنسولگری‌های انگلیس در کشور و از جمله شیراز و قطعنامه حزب برادران در این باره (همو، ش ۳۹۳، ۳۹۴) باور طرفداران مصدق را به صدق رفتار حزب برادران بریانگیخت و آن را نوعی دودوزه بازی و تردستی سیاسی محسوب داشتند. حقیقت این است که فعالیتهای عملی سید نورالدین و اعضاء حزبش علیه تشکل‌ها، روزنامه‌ها و افراد ملی و نزدیکی سید نورالدین به مخالفین مصدق چون خانواده‌های حکمت، قوامی و نمازی راه این باور را مسدود کرده بود.

درگیری دائم حزب برادران و حزب ایران، تلگراف تبریک سید نورالدین در حکومت چهار روزه قوام السلطنه در روزهای قبل از سی تیر ۱۳۳۱ (صدای شیراز، ش ۶ فوق‌العاده، و ش ۶۳)، مشارکت فعال اعضاء حزب برادران علیه طرفداران نهضت ملی در غوغای روزهای ۲۶ و ۲۷ فروردین ۱۳۳۲، از دیگر اقدامات حزب برادران قبل از کودتای ۲۸ مرداد بود.

پس از کودتای ۲۸ مرداد، رهبر حزب و اعضاء سرشناس آن با کودتا همراهی نشان دادند و هنگام رژه سربازان و پرسنل نظامی در ۲۱ مهر ۱۳۳۲ به پای آنها از سوی حزب برادران گوسفند قربانی شد (سند شماره ۶۹۵۴). آخرین اقدام سیاسی سید نورالدین، دستور تخریب حظیره القدس بهایی‌ها بود. این محل که منزل پدر سید علی محمد باب بود در جنب مسجد شمشیرگراها قرار داشت. سید نورالدین همزمان با سفر محمدرضاشاه به شیراز، در چهارم خرداد ۱۳۳۴، شخصاً در محل بنای مذکور حاضر شد و دستور تخریب آن را صادر کرد. از آن جهت که دولت وقت در اردیبهشت ماه همان سال در بخشنامه‌ای به استانداران سراسر کشور، آنها را مأمور به جلوگیری از تشکیل جمعیت‌های با عنوان بهائیت نموده بود و محمد تقی فلسفی واعظ معروف، همه روزه از

راديو عليه بهائيان سخنرانی می‌نمود این اقدام از سوی دولت با مخالفتی همراه نبود. اما استاندار وقت (تیمسار سرتیپ همت) که مشهور به بهایی بود در صدد برخورد با سید نورالدین برآمد و چون تلاش استاندار، اقدامی در جهت ضد خواست دولت بود، پی‌گیری سید نورالدین و عزیمت او به تهران موجب برکناری استاندار گردید. (پارس، بهار امروز، نبرد ملت: ۱۰ تیر ۱۳۳۴؛ کیهان، ۲۵ تیر ۱۳۳۴).

حزب برادران پس از مرگ رهبری حزب در دوم بهمن ۱۳۳۵، اگر چه مدتی توسط محمد رضا زاده داماد سید نورالدین به حیات خود ادامه داد اما منشأ اثری نشد و به واسطه بروز جدایی میان اعضاء به تعطیلی گرائید (مصاحبه با محمدجواد سبحانی).

#### ب- مؤلفه‌های اندیشه سیاسی و عقیدتی

آنچه مستند این بخش از مقاله است یا برگرفته از کتابهای رهبری حزب است و یا مستند به نوشته‌های نشریه ارگان حزب می‌باشد که با صراحت اعلام داشته بود «حتی یک سطر هم بدون نظر رهبر حزب» در آن به رشته تحریر در نمی‌آید (آئین برادری، ش ۹۲ پنجشنبه ۱۵ تیر ۱۳۲۹).

حزب برادران با خلاصه کردن مرامنامه‌اش در عبارت «حفظ استقلال ایران در ظل لوای مذهب جعفری» خود را حزبی مذهبی - سیاسی می‌دانست و ادعا داشت که بنیاد سیاست آن بر مذهب است. برونداد این نگرش در دو دوره حیات حزب دو تجلی متفاوت داشت. دوره اول حیات حزب که از آغاز تأسیس تا شروع نخست‌وزیری دکتر مصدق را شامل بود به علت واقع شدن ایران در صحنه جنگ بین الملل دوم و آشفتگی‌های سیاسی و اقتصادی ناشی از آن، مرز بندی روشنی از مواضع گروه‌های مدعی استقلال در سیاست داخلی به دست داده نشد. در این دوره رهبر حزب سعی داشت تا چهره‌ای مردمی، اصلاح طلبانه و نوگرا از خود و حزب متبوعش به دست دهد.

دوره دوم حیات حزب، مقارن با ایام نخست‌وزیری مصدق و پس از آن تا مرگ رهبری آن بود. در این دوره از یکسو دولت مصدق مواجه با استمرار تلاش‌های محمد رضا پهلوی در بازسازی قدرت از دست رفته شاه پس از سقوط پهلوی اول بود و از دیگر سو ادامه اقدامات استقلال شکنانه دولت‌های درگیر در سیاست ایران پس از جنگ، یعنی دول آمریکا، انگلیس و

شوری، چالش جدی در جامعه ایران ایجاد کرده بود و این دو امر خود موجب ایضاح مواضع احزاب و گروه‌های سیاسی گردید. اقدام‌های محمد مصدق برای اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت چنان شور و التهابی آفریده بود که از آن مطابق مدل انقلاب‌شناسی کرین بریتون به عنوان نهضتی ملی - میهنی برای رهایی از سلطه یک قدرت بیگانه یاد شده است. در چنین زمانی لازم می‌آمد که احزاب طرفدار استقلال در تقویت دولت مرکزی بکوشند و به قوت و قدرت آن مدد رسانند. حزب برادران که «تقویت استقلال دولت مرکزی و حفظ امنیت عمومی» را در اصول مرامنامه خود داشت عملاً بر این مرام نپایید و موضعی مخالف و در تعارض با دولت را سامان داد و عملاً در کنار نیروهای طرفدار شاه و دربار قرار گرفت.

حزب برادران در بعد عقیدتی بر رعایت اصول شرعی و اجرای پاره‌ای قوانین شرعی در چهارچوب وضع موجود سیاسی کشور و نیز تعطیلی مراکز فساد و فحشا، منع مشروبات الکلی و رشوه تأکید داشت و مبارزه با تفکرات الحادی چون اندیشه‌های حزب توده و نیز تبلیغات احمد کسروی را در برنامه خود تعبیه دیده بود. این حزب در بعد سیاسی نیز، ورود در عرصه‌های مختلف سیاسی را به منزله جلوه‌ای از کارآمدی دین مد نظر داشت و در صدد دستیابی به مناصب و تسخیر مواضع قدرت بود.

عمده‌ترین مسایل مطرح در بنیادهای سیاسی و عقیدتی حزب برادران را باید در مباحث روحانیت و سیاست، تحزب، حکومت، دموکراسی و... ملاحظه نمود.

### ۱. روحانیت و سیاست

سید نورالدین در مباحثی که شب‌های یکشنبه و چهارشنبه پس از نماز مغرب و عشاء در مسجد وکیل شیراز ایراد می‌کرد نقطه نظرات سیاسی خود را مطرح می‌نمود و این مطالب ذیل عنوان «سیاست اسلام» در نشریه حزب منتشر می‌شد. او بحث سیاست و روحانیت را بر بنیاد پاسخ به این سؤال استوار داشت که: «آیا روحانیت صلاحیت دخالت در سیاست دارد یا نه؟» وی در پاسخ به سؤال مذکور دو سؤال دیگر را به شرح زیر مطرح کرد:

«۱. آیا دین اسلام و مذهب جعفری دخالت فقهاء را در قانونگذاری و قضا و اجراء روا داشته

یا نه؟

۲. آیا مقررات ملکی و مملکتی باید طبق مقررات شرعیه باشد؟»

سید نورالدین پاسخ سؤال نخستین را با این مقدمه آغاز کرد که «دین خدایی که برای هدایت بشر است و باید احتیاجات بشر را رفع نماید و رفع حیرت از مصادیق محسنات عقلیه نماید نمی‌تواند دارای قوانین و نوامیس مدنی و اجتماعی و قضا و خلاف و ملکی و مملکتی نباشد» (آئین برادری، ش ۳). وی سپس روحانیت را فقهاء و دانشمندان به احکام شرعی معرفی و سیاست را متشکل از سه قوه تقنین (قانونگذاری) قضا (دادگستری) و اجرا دانست و نوشت: «بدون خلاف و به اتفاق همه فقهاء، گذشته از اینکه اسلام دخالت فقهاء را روا داشته، واجب و لازم شناخته و از مناصب خاصه ایشان قرار داده است». به نظر او فقیه در هر سه زمینه قانونگذاری، قضاوت و اجرا محق بوده و تصور عدم جواز دخالت فقیه در قوای ثلاثه به منزله این است که منصبی که صاحب شرع مخصوص او کرده است نداشته باشد.

پاسخ سؤال دوم را نیز با استناد به پاسخ اول از نظر عقلی و اجتماعی مثبت دانسته و می‌نویسد: «در غیر این صورت یا باید جامعه دست از دین خود بر دارد و یا قانون را محترم شمارد و تطبیق مقررات ملکی و مملکتی با احکام شرعیه نیز جز به نظر فقیه ممکن نیست» (همو، ش ۷)

سید نورالدین حوزه فقه را بسیار وسیع و شامل همه اعمال مکلفین در بایست‌ها و نابایست‌ها، اعم از امور انفرادی و اجتماعی می‌دانست (الحسینی الهاشمی، کسر کسروی، ۱۳۲۴: ۸۶). او به استناد «علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل» نتیجه گرفت همچنان‌که برخی از انبیاء بنی اسرائیل حکومت داشته‌اند، روحانیان نیز می‌توانند مداخله در حکومت بکنند و حکومت تشکیل دهند. او اقدام به این امر را از سوی روحانیان واجب عینی نمی‌دانست و قایل بود که هیچکس تصدی سلطنت یا ریاست وزارت را برای فقیه بنفسه و به شخصه واجب نمی‌داند ولی از آنجا که زمامداری کشور فعل مکلف است، در هر فعل، مکلف باید حکم آن را از فقیه اخذ کند. لذا رأی و نظر فقیه را در حسن عمل شاه و رئیس دولت‌ها و سایر پست‌های حکومت و کشور، دارای مداخلیت معرفی می‌کرد زیرا که شاهی و نخست‌وزیری و حکومت باید طبق دین باشد و حکم

طبق دین بودن از فقیه اخذ می‌شود. تفحص در آراء رهبری حزب بیانگر آن است که او میان دخالت، نظارت و نظریه فقیه مرز مشخصی را معین نمی‌نمود و آراء او در این باره نه فقط دچار خلط محدوده بلکه خلط مفهومی این سه امر بود. (همو، ۳۵، ۵۲؛ آئین برادری، ش ۷، ذیل "سیاست و روحانیت")

## ۲. حزب

سید نورالدین بهترین روش دخالت در سیاست را از طریق تشکیل حزب می‌دانست و حزب را ابزار لازمی برای تحقق «عدالت، اقامه و احیاء احکام دینی و جلوگیری از دیکتاتوری» بر می‌شمرد. او اعتقادی جازم به حزب و کار تشکیلاتی داشت. بر همین اساس بود که ابتدا در صدد جلب روحانیان و تحت انتظام در آوردن آنها و رتبه بندی و تعیین جایگاه و موقعیت آنان در شیراز و استان فارس بر آمد. او قبل از تأسیس حزب مبادرت به تشکیل «اتحادیه روحانی» نمود. اما مواعی چون نظم گریزی روحانیت، احساس عدم آزادی و ابتکار عمل در صورت تن دادن به تقاضای سید نورالدین و مهم تر از همه سلوک شخصی سید نورالدین و شور فاصله‌ای که از سایر روحانیان داشت و بنا احساس رواداری تحکمی که از سوی دیگر روحانیان می‌شد مانع از تداوم این اتحاد گردید و عزم رهبری حزب را در انتظام بخشی به سایر اقشار جامعه ذیل عنوان «جمعیت برادران نور» و سپس «حزب برادران» جزم کرد.

او حزب را ابزاری می‌دانست که به وسیله آن می‌توان اکثریت مجلس شورای ملی را بدست آورد و از آن طریق «دولت مقتدر اسلامی» ایجاد نمود و چنین دولت تحقق بخش «عدالت اجتماعی، ترقی و تعالی و تمدن و تدین» خواهد بود. (سالنامه برادران، ۲) از نظر او لازمه وصال به چنین هدفی، متشکل شدن افراد رشد یافته جامعه در یک حزب است و این حزب با توجه به عواطف و احساسات اکثریت مردم که احساسات دینی و مذهبی است جز حزب دینی نخواهد بود و این حزب در اقامه و احیاء احکام دینی خواهد کوشید. گرایش شدید حزبی سید نورالدین را از این موضع نشریه ارگان حزب می‌توان یافت که در انتخاب دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ذیل

تیسر «رشد ملی و انتخابات» می‌نویسد: «صریحاً باید گفت که بی مسلک سیاسی نباید کاندید باشد یا انتخاب شود.» (آئین برادری، ش ۴)

در کارکرد باز دارندگی حزب از دیکتاتوری نیز استدلال شده است که دیکتاتوری و اعمال اراده شخصی از سوی صاحب منصبان امری طبیعی است. برای اینکه از دیکتاتوری جلوگیری شود چاره‌ای جز تأسیس حزب نیست، حزبی که نه بواسطه «تعین و قدرت شخصی» ایجاد شده باشد بلکه حزبی که از تجمع افراد رشد یافته ناشی از انقلاب فکری بوده و مظهر اراده ملت و تجسم بخش قدرت آن باشد و الا اگر منشا پیدایش حزب قدرت شخصی بود آن حزب «به رذالت یا جهالت و یا خیانت» رو به اضمحلال خواهد رفت. (همو، ش ۹۳، ۹۴، ذیل "اعتراض یک نفر...")

به نظر نمی‌رسد که حزب برادران، ویژگی‌هایی را که در تشکیل حزب بدست داده است، مورد رعایت قرار داده باشد. تکیه بر رهنمودهای مجتهد حزب و اهمیت ویژه بخشیدن به نهاد روحانیت در تعارض با نفی تعین شخصی و یا قشر و طبقه خاص بود. به علاوه سطح عمدتاً نازل اطلاعات فرهنگی، دینی و سیاسی اعضاء حزب نیز افاده تجمع افراد همفکر و رشد یافته را نمی‌نمود. توجه به عملکرد حزب نیز آشکارا نمایانگر تصمیم‌گیری فردی در حزب بود و اگر از اعضاء هیأت مرکزی حزب بگذریم که هیچ انضباط تشکیلاتی در کنترل و محدود کردن آنها پیش بینی نشده بود. اغلب اعضاء حزب نقش عامل و مجری دستور ایفا می‌کردند و در نظر نیز به تقلید می‌پرداختند.

ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### ۳. حکومت

سید نورالدین در تبیین انواع حکومت و گزینش نوع برتر آن، بحث را بر این بنیاد استوار داشت که برای کمال اجتماع و تمدن چهار رکن لازم است. چهار رکن مذکور عبارتند از:

۱. رشد ملی یعنی اینکه هر کس حق اجتماعی خود را بشناسد و بخواهد ۲. تقوای سیاسی یعنی وطن خود را بر خود ترجیح دهد ۳. شرافت اجتماعی یعنی به حق خود قانع باشد و میل به تعدی نکند.

۴. مساوات یعنی برادری و برابری عموم را محترم شمارد». از نظر او لازم است که این چهار پایه متناسب و متوازن با یکدیگر باشد و الا نه تنها نتیجه بخش نخواهد بود بلکه نتیجه عکس می‌دهد. او در این باره مثال می‌زد که چنانچه حس مساوات در حد رشد ملی و شناختن حق نباشد مبدأ سوء استفاده از آزادی خواهد شد (الحسینی الهاشمی، کسر کسروی: ۵۰، ۵۳).

او بر این پایه شش نوع حکومت را به شرح زیر یاد کرد: استبداد مطلق، استبداد مقنن، مشروطه مطلق، مشروطه محدود، جمهوری اشرافی و جمهوری توده. از نظر او استبداد مطلق، فاقد چهار رکن بر شمرده برای اجتماع است. او این حکومت را در تعبیر قرآن «حکومت جابره» معرفی کرد و آن را مضرترین انحاء حکومت‌های متصوره برشمرد و بر آن ده آفت مترتب دانست. استبداد مقنن را حکومتی شناساند که در آن شخص شاه مبدأ قانون است و فاقد شرافت اجتماعی و مساوات است اما رشد ملی و تقوای سیاسی در آن به میزان اندک وجود دارد. (همو، ۵۱) از نظر او اسلام با استبداد مقنن در وقت نبودن رشد ملی و تقوای سیاسی براساس «مالایدرک کله لاترک کله» ساخته است. (همو، ۶۳)

وی چهار قسم حکومت بعدی را ذیل عنوان حکومت دموکراسی قلمداد کرد. (همو: ۵۰، ۶۳) او از ویژگی‌های مشروطه مطلق مطالبی بیان نداشت و به اجمال آن را حکومتی برشمرد که همه مزایای مشروطه محدود را دارد و شاه در آن جنبه تشریفاتی دارد و مؤثر در هیچ مرتبه از قضا و قانون و اجرا نیست. (همو، ۵۳-۵۴)

حکومت مشروطه محدود از نظر سید نورالدین دارنده چهار رکن اجتماعی برشمرده هست و تقوای سیاسی یعنی حب وطن در آن به کمال است. اما او میزان سه رکن دیگر را در مقایسه با سایر حکومت‌ها معین نمی‌نماید و فقط به این بسنده می‌کند که آثار مشتمله دهگانه استبداد در آن زمینه ندارد و از معایب جمهوری‌ها مبراست. او حکومت وقت ایران را از نوع مشروطه محدود معرفی کرد و آن را حکومتی می‌دانست که فقها و از جمله خود او آن را برای ایران پذیرفته‌اند (همو، ۵۲). آفت حکومت مشروطه محدود از دیدگاه او بندگی و بردگی زمامداران برای شخص شاه است و توصیه می‌کرد که: «هم شخص شاه باید وزیر خادم به جامعه را بپذیرد و نه بنده‌ای برای خویش و هم زمامداران باید شرافت اجتماعی شان مانع باشد از بندگی و بردگی برای شاه.»

او از میان دو ویژگی اقتدار و ثبات رژیم، بر ثبات رژیم تأکید داشت و بر این اساس حکومت مشروطه را بر استبداد ترجیح می‌داد. چرا که از نظر او حکومت مشروطه هر قدر ضعیف باشد ثبات و پایایی مقام سلطنت در آن نسبت به حکومت استبداد با هر درجه از قوت، بیشتر است. (همو، ۵۴)

از دیدگاه او در جمهوری اشرافی، قدرت حاکمه در دست عده معدودی از اشخاص می‌باشد و آن اشخاص هستند که قوانین را وضع و ایجاد و اجرا می‌نمایند و بقیه ملت به منزله رعایا در نظر پادشاه دولت‌های مشروطه می‌باشند. در این طرز حکومت، تقوای سیاسی بخصوص برای طبقه اشراف والا لازمتر است و در صورت عدم تقوای سیاسی در زمامداران، حکومت به فساد گرائیده و «به استبداد ملوک الطوائف» و یا به «جمهوری توده» می‌انجامد. وی درباره سه ویژگی دیگر اجتماع در این نوع حکومت سخنی به میان نمی‌آورد.

او معنی حقیقی دموکراسی کامل را در «جمهوری توده» متجلی می‌دانست که در آن ملت، هم حکمفرما و هم فرمانبردار است و اراده خودش بر خودش حکومت می‌کند. در این حکومت چهار پایه اجتماع باید به حد اعلای خودش باشد و چون اساس این حکومت بر تقوای سیاسی همگانی است لذا تقوای سیاسی از همه چیز لازمتر است. وی آفت این نوع حکومت را استفاده ملت از آزادی صوری دانسته که بر اساس آن از آزادی حقیقی دورتر و به بندگی و بردگی نزدیکتر می‌شود و آن وقت جباران کوچکی پیدا می‌شوند که همه معایب جباران بزرگ را دارند (همو، ۵۴ - ۵۵)

#### ۴- دموکراسی

سید نور الدین در نسبت میان دموکراسی و اسلام با ارائه ادله چهارگانه‌ای مستند به آیات قرآن از تلائم و سازواری آن دو سخن گفته است. دلایل او به شرح زیر است:

۱. در اسلام و مذهب شیعه طبق آیه ۱۳ حجرات که بیان می‌دارد: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبایل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم» همه امتیازات الغاء شده است.

۲. در اسلام امر حکومت پس از پیامبر اختصاص به شخص و طبقه خاصی ندارد و برابر آیه ۱۰۴ سوره آل عمران: <sup>۱</sup> «و لتكن منكم امة يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر اولئك هم المفلحون» حکومت باید مردمی اداره شود.

۳. بر اساس: «يا ايها الذين آمنوا كونوا قوامين بالقسط شهداء لله و لو على انفسكم» (۱۳۵ نساء)<sup>۲</sup> قانون بر حاکم، حکومت مطلقه می کند و حکومت باید حتی علیه شخص حاکم قانون را محترم شمارد.

۴. بر اساس: «و ممن خلقنا امة يهدون بالحق و به يعدلون» (۱۸۱ - اعراف)<sup>۳</sup> صاحب منصبان باید از دو ویژگی دانایی و خویشتن داری (تقوا، پرهیز) برخوردار باشند.

اما تفسیری که وی از آیه اخیر الذکر بدست داد موبد صدق ادعای او نبود. او از آیه ۱۸۱ اعراف نتیجه گرفت که کسانی بطور پیشینی به عنوان نایب پیامبر و امام شایسته حکومت اند. این کسان در نظر او فقهای عادل مسلمان اند. او اشعار می داشت که نه فقط در اسلام، بلکه در ادیان و امم دیگر نیز به شایستگی پیشینی عده ای خاص تصریح شده است. مستند او در این باره آیه ۱۵۹ سوره اعراف بود که بیان می دارد: «و من قوم موسی امة يهدون بالحق و به يعدلون» از قوم موسی نیز مردمی هستند که هدایت به حق می نمایند و به او عدول می کنند - او همچنین آیه ۴۴ مائده<sup>۴</sup> را مبنای استنتاج قرار داد که در نظر او خداوند، عالم ربانی و حبر را در امت موسی در سیاق پیامبران و منشأ حکم و حاکم قرار داده است انا انزلنا التوریه فیها هدی و نور یحکم بها النبیون الذین اسلموا للذین هادوا و الربانیون و الاحبار بما استحفظوا من کتاب اللّٰه و کانوا علیه شهداء. آیه ۶۳ سوره مائده<sup>۵</sup> دیگر مستند اوست (لولا ینها هم الربانیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السحت) و از

۱. اصل: آیه ۱۰۰ سوره آل عمران

۲. اصل: آیه ۱۲۴ نساء

۳. اصل: آیه ۱۵۰ اعراف

۴. اصل: آیه ۴۸ مائده

۵. اصل: آیه ۱۸ مائده

اینکه در این آیه به علمای یهود اعتراض شده بود که چرا قیام به وظیفه نکردند از آن حق حکومتداری آنها را نتیجه می‌گیرد زیرا اگر مراد امر دیگری بود، این اعتراض بجا نمی‌نمود. سید نور الدین در بیان سازگاری مذهب شیعه با دموکراسی نیز عوض بیان مبانی نظری شیعه و حکومت، به خواست و جانبداری اکثریت مردم از حکومت موافق اسلام و شیعه می‌پردازد و مصداق حکومت مذکور را حکومت فقهاء می‌شمارد. (کسر کسروی، نشریه اول: ۴) توصیفی که او از حکومت فقیه بدست می‌دهد نیز با ادعای سازگاری با دموکراسی دچار چالش جدی می‌شود. او می‌نویسد، "حکومت فقیه تکیه بر مردم ندارد تا امروز و دیروز و فردا در آن فرق کند. حکومت فقیه عادل تکیه بر دانش و پرهیز دارد و این حکومت تا بشر در عالم زندگی می‌کند برقرار است (همو: ۱۰).

آیا او میان حکومت فقیه و حکومت مورد نظر شیعه فرق قایل بود که از سازگاری دموکراسی و مذهب شیعه سخن می‌گفت و یا اینکه حکومت فقیه را برابر حکومت مورد نظر شیعه می‌شناخت؟ اگر شق اخیر مراد باشد روشن است که با باور به عدم اتکاء حکومت فقیه بر مردم و آراء آنها، سخن از سازگاری حکومت فقیه با دموکراسی بیهوده است. شاید این تصور باشد که وی در مبانی مشروعیت حکومت فقیه رأی مردم را مداخلت نمی‌داد. اما رأی و نظر مردم را در مقبولیت یک حکومت و نظام سیاسی دارای اثر می‌شناخت. ولی هیچ گزاره‌ای از بدست دادن چنین ایده‌ای از ایشان در اختیار نیست. به علاوه آشکار است که فرق است بین پذیرش حکومت موافق با اسلام و مذهب شیعه و حکومت فقیه، چرا که در نخستین از این دو، توافق با یک مکتب و آموزه‌های آن است و در دیگری رضا دادن به حکومت فردی که تعلق به آن مکتب دارد و این تعلق لزوماً انطباق فرد معتقد را با امر مورد اعتقاد واگویی نمی‌کند. همچنین روشن است که تکیه دموکراسی بر آراء مردم طول حکومت حاکمان را مقید به زمان پذیرش و خواست مردم می‌نماید و حاکمان دموکراتیک حاکمان موقت و مشروط هستند. در حالی که در نظر سید نور الدین حکومت فقیه در عصر یک فقیه، به مدت حیات او وابسته است و بطور کلی حکومت فقها لازم است.

تفحص در منابع و آثار نشانگر آراء حزب برادران و رهبری آن، موارد دیگری را نیز وانمایی می‌کند. که نیازمند امعان نظر و بررسی است. در کنکاشی انتزاعی از آراء رهبری حزب نمونه‌هایی از آراء اصلاح‌طلبانه و نوگرایانه، بنیادگرایانه، کارکردگرایانه و نیز آرای که نشان از واقع‌گرایی وی دارد می‌توان یافت اما تجمیع و برآیند این افکار نشان از محافظه‌کاری و قدرتمداری او دارد که بسط آن مجال وسیعتری را می‌طلبد.

## منابع و مأخذ

الف - اسناد و کتب خطی

اسناد حزب برادران ، مضبوط در مرکز اسناد انقلاب اسلامی (اسناد نیروی انتظامی).  
اسناد حزب برادران ، مضبوط در مرکز اسناد ملی ایران (اسناد وزارت کشور).  
شیخ آقا (محمد جعفر)، ۱۳۰۶، اعجب القصص ، نسخه خطی، کتابخانه مدرسه دینی ولی عصر، شیراز.

## ب - کتاب ها

اتحادیه (نظام مافی)، منصوره، (۱۳۶۱)، پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت ، چاپ اول، تهران، نشر گستره.

اداره کل آرشیو اسناد و موزه دفتر رئیس جمهور، (۱۳۷۹)، اسنادی از احزاب سیاسی در ایران (۱۳۲۰ - ۱۳۴۰).

امداد، حسن، (۱۳۳۹)، شیراز در گذشته و حال ، شیراز، اتحادیه مطبوعاتی فارس.  
بهار، ملک الشعراء، (۱۳۷۰)، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران ، دو جلد، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

بهروزی، علینقی، (۱۳۳۴)، شیراز خال رخ هفت کشور ، شیراز، چاپخانه موسوی.  
تاریخچه دهساله کانون فرهنگیان فارس (۱۳۲۳-۱۳۳۳)، (بی تا)، شیراز، چاپخانه موسوی.  
حسینی الهاشمی، سید نور الدین، (بی تا)، اسلام و جهان امروز ، شیراز، چاپخانه نور.

- حسینی الهاشمی، سید نور الدین، (بی تا)، اصول الفقه، شیراز.
- حسینی الهاشمی، سید نور الدین، (۱۳۲۷)، انیس المقلدین، شیراز، چاپخانه نور، آبان.
- حسینی الهاشمی، سید نور الدین، (۱۳۲۴)، کسر کسروی، شیراز، چاپخانه مصطفوی، مرداد.
- رائین، اسماعیل، (۱۳۵۷)، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، سه جلد، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- سالنامه برادران، (۱۳۲۹)، شیراز، انتشارات شعبه ۳ فرهنگی برادران.
- ضرغام بروجنی، جمشید، (۱۳۵۰)، دولت‌های عصر مشروطیت، تهران، اداره کل قوانین مجلس شورای ملی.
۱۷. طیرانی، بهروز، (۱۳۷۶)، اسناد احزاب سیاسی ایران (۱۳۲۰ - ۱۳۳۰)، دو جلد، سازمان اسناد ملی ایران.
۱۸. فرهنگ قهرمانی، عطاء اله، (خرداد ۲۵۳۶ (۱۳۵۶ ش))، اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی از آغاز مشروطیت تا دوره ۲۴ قانون گذاری و نمایندگان مجلس سنا در هفت دوره تقنینیه، تهران، چاپخانه مجلس شورای ملی.
۱۹. مدرس صادقی، محمد، (۱۳۳۱)، شیراز امروز، شیراز، چاپخانه مهرگان.
۲۰. مکی، حسین، (۱۳۶۲)، تاریخ بیست ساله ایران، ۸ جلد، جلد پنجم (استحکام دیکتاتوری پهلوی)، تهران، نشر ناشر.
۲۱. ملکزاده، مهدی، (۱۳۶۳)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ۷ جلد، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی.
۲۲. ووستفلد، فردیناند و ماہلر، ادوارد، (۱۳۶۰)، تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله هجری قمری و میلادی، مقدمه و تجدید نظر از دکتر حکیم الدین قریشی، تهران، فرهنگ سرای نیاوران.

ج - مصاحبه‌ها

۲۳. حسن امداد (متولد ۱۳۰۰)، باز نشسته آموزش و پرورش، لیسانسه تاریخ.

۲۴. سید معز الدین الحسینی الهاشمی فرزند سیدنورالدین رهبر حزب برادران.
۲۵. مصطفی حسینیان (متولد ۱۳۰۴) وکیل دادگستری و وکیل امور ملکی سید نورالدین.
۲۶. حسین راضی (متولد ۱۳۰۷) بنیانگذار حزب ایران شیراز.
۲۷. محمد جواد سبحانی (متولد ۱۳۰۳) رئیس هیئت متوسلین به حضرت زهرا (حوزه شماره ۳ سابق حزب برادران).
۲۸. حسعلی شناسا (متولد ۱۳۰۴) از اعضای سابق حزب برادران.
۲۹. محمد طاهریان فرد (متولد ۱۲۹۵) رئیس هیئت عسکریه (حوزه شماره ۱۱ سابق حزب برادران).
۳۳. محمد مدرس صادقی (متولد ۱۳۰۳).
۳۰. سید علی اکبر معزی (متولد ۱۳۰۵) اولین رئیس شعبه سه فرهنگی حزب برادران.
۳۱. محمود نعمت اللهی از اعضای سابق حزب برادران.
۳۲. ابراهیم یقطین (متولد ۱۳۰۰)، از اعضای سابق شعبه ۳ فرهنگی حزب برادران.
- د - نشریات
۳۳. آئین برادری، ارگان حزب برادران به صاحب امتیازی و مدیر مسئولی محمد باقر خدام محمدی، (۱۳۲۸ - ۱۳۳۱ ش).
۳۴. آینده، به مدیریت ایرج افشار، سال ۱۱، ش ۱۱ و ۱۲ (بهمن و اسفند)، ۱۳۶۴.
۳۵. دوست ملت، به مدیریت حسن جوادی (۱۳۲۹ - ۳۰ شهریور ۱۳۳۳).
۳۶. شفق شیراز، به مدیریت علی اکبر شیعی، (اردیبهشت ۱۳۳۱ - اسفند ۱۳۳۲).
۳۷. صدای شیراز، به مدیریت عبدالحسین ادیبی، (اردیبهشت ۱۳۳۰ - مرداد ۱۳۳۲).
۳۷. مرد بازار، به مدیریت اصغر عرب (خرد) (آذر ۱۳۳۰ - خرداد ۱۳۳۱).
۳۹. مهر ایزد، به صاحب امتیازی و مدیر مسئولی سید محمد رضا الحسینی الهاشمی (برادر زاده سیدنورالدین)، (۱۳۲۵ - ۱۳۳۰).
۴۰. همه نامه، صاحب امتیاز و مدیر مسئول حسین ولدان، (فروردین ۱۳۳۰ - اسفند ۱۳۳۲).